



رامتین مونیق

کمتر از یک ماه از بازگشایی معاملات سهام می‌گذرد و در این مدت کوتاه، بورس تمام‌بر مدار صعودی قرار داشته و حتی توانسته است رکورد تاریخی رانیز بشکند به صورتی که شاخص کل وارد کانال ۴۵ میلیون واحدی شد که به اعتقاد برخی از کارشناسان، بورس حتی توانایی فتح کانال ۵ میلیون واحدی را نیز دارد.

در اولین روز کاری هفته جاری نیز بورس سبزپوش بود و روند قابل توجهی داشت؛ تجارت‌نیوز در گزارشی نوشت: «بورس تهران در پایان معاملات روز گذشته، با ثبت یکی از تاریخی‌ترین روزهای خود، شاهد سبزپوشی کامل بازار و جهش پر قدرت شاخص‌ها بوده به طوری که شاخص کل، حتی در مقطعی از مرز چهار میلیون و ۷۰۰ هزار واحد نیز عبور کرد و سیگنال ورود بازار به یک‌فاز صعودی بی‌سابقه را مخابره کرد. در جریان معاملات شبیه ۲۳ خرداد، شاخص کل بورس با رشد ۱۰۳ هزار و ۱۷۸ واحدی همراه شد و در سطح ۴ میلیون و ۶۹۶ هزار و ۲۲۸ واحد قرار گرفت؛ رشدی معادل ۲،۲۵ درصد که یکی از قدرتمندترین صعودهای اخیر بازار محسوب می‌شود.»

یکی از مواردی که همیشه باعث رشد و سبزپوشی بازار سهام می‌شود، کاهش ریسک‌های سیاسی است که در این روزها با توجه به اظهار نظر رسمی مقامات ایرانی و آمریکایی، احتمال ملخ و توافق میان این دو کشور بسیار بالا رفته و برخی تحلیلگران احتمال می‌دهند که در صورت قطعی شدن توافق، بورس نیز پتانسیل بیشتری برای رشد داشته باشد. هر چند نباید فراموش کرد که روز دوشنبه ۱۸ خرداد، در پی تبادل آتش میان ایران و اسرائیل، شاخص کل بورس ریزشی شد و این اتفاق نشان داد که رشد بورس همچنان مانند یک‌رشد پایدار نیست و تشدید تنش‌های می‌تواند بازار را مانند گذشته، سبزپوش کند.

«توسعه ایرانی» در گفت‌وگو با یک کارشناس و تحلیلگر بازار سرمایه، به تحلیل رشد بورس در روزهای اخیر، پیشبینی شرایط بازار با فرض وجود توافق و سیاست‌های لازم برای تبدیل صعود بورس به رشد پایدار، پرداخته است.

رشد بورس شگفتی آفرین شد

یک تحلیلگر بازار سرمایه در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»، درباره ارزیابی خود از روند صعودی روزهای

بهنام صمدی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»: «مطالعه اول فعالین بازار و بورس‌ها برای پیداز توافق و رفع تحریم‌ها، حذف قیمت‌گذاری دستوری است. اگر دولت اجازه دهد قیمت‌گذاری دستوری یکبار برای همیشه در تمام حوزه‌ها حذف شود، رشد بورس هم پایدار خواهد ماند و وضعیت شرکت‌ها نیز به ثبات خواهد رسید. هر چه دخالت دولت در بورس کمتر باشد، رشد بورس نیز پایدار تر خواهد ماند»

گزارش

پوست موز تازه زیر پای دولت:

سقف‌گذاری دستوری دچار دیگر باید شکست بخورد؟

سختگویی قوه قضائیه با تأکید بر ضرورت جلوگیری از فشار بر مستأجران، از احتمال تعیین سقف مشخص برای افزایش اجاره‌بها سخن گفته است؛ پیشنه‌ای که در عمل دولت را به سمت یکی از شناخته‌شده‌ترین سیاست‌های مداخله‌ای در بازار اجاره‌های هدایت می‌کند. سیاستی که در سال‌های گذشته بارها آزموده شده و به نتیجه نرسیده است.

به گزارش رویداد ۲۴، بحران اجاره‌بها به یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های معیشتی خانوارهای



گفت‌وگو

یک اقتصاددان:

نمی‌توانیم تمام ناترازی‌ها را به جنگ ربط دهیم

یک اقتصاددان به صراحت هشدار داد که پیوند زدن اسناد فعلی اقتصاد به تنش‌های نظامی اخیر، نوعی فرار از واقعیت است؛ چرا که یابرداری ملی پیش از این در اثر ۱۵ سال تحریم، چهار دوره شوک اجتماعی و فرسودگی شدید سرمایه‌های فیزیکی تحلیل‌رفته است. به گزارش اکوایران، حجت‌میرزایی در نشست «اقتصاد ایران در سایه جنگ» که توسط خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد، سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: «استناد به تجربه سیاست‌ها و اقدامات دوران جنگ هشت ساله برای حفظ تاب‌آوری جامعه ممکن است از جهت اثبات‌شدن و سرمایه‌انسانی مفید باشد اما این سیاست‌ها نمی‌توان به دوران حاضر تفسیر داد.

او افزود: ما تقریباً از اردیبهشت گذشته یعنی پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه وارد یک دوره نااطمینانی جدید شدیم و با شروع جنگ این نااطمینانی با افزایش حادثگری ریسک اقتصادی به اوج خود رسیده است. اگر مورری سریع‌تر است: ۱۳۹۰ به این سو که وارد دوره تحریمی بسیار بزرگ و عمیق شده‌ایم داشته باشیم، طی این ۱۵ سال گذشته

معاملات سهام، اظهار کرد: سبزشدن بازار سرمایه از ۲۸ اردیبهشت ماه، یعنی دقیقاً بعد از ۸۰ روز تعطیلی، شگفتی‌ساز شد و هیچکس انتظار نداشت بعد از پشت سر گذاشتن جنگ ۴۰ روزه و شکستخوردن شرایط، شاهد سبزشدن بازار باشیم.

بهنام صمدی به دلایل چندگانه رشد بورس اشاره کرد و گفت: دلیل اول حضور صنایعی است که هیچ‌ربط مستقیمی با آسیب‌های جنگی ندارند و اتفاقاً در این مدت، رشد بسیار خوبی را تجربه کردند و توانسته‌اند سود خوبی بسازند. از جمله این صنایع، می‌توان به صنعت مواد غذایی و دارویی اشاره داشت.

او افزود: به واسطه این ۸۰ همت کالابری که ماهانه به اقتصاد تزریق می‌شود، برخی صنایع و شرکت‌ها فروش ثابت و بالقوه‌ای دارند و به واسطه وجود کالابری، مشتری ثابت پیدا کرده‌اند و همین موضوع نیز باعث شده است این گروه از صنایع در این مدت، سود بسیار خوبی بسازند و قبل از بازگشایی بازار انتظار می‌رفت که حتی اگر در بقیه بازار صف فروش شکل بگیرد، اما این گروه سبزشوند.

تعطیلی طولانی فرصت‌نوسان‌گیری نداد

این کارشناس بازارهای مالی درباره علت دوم رشد بورس بیان کرد: همچنین در مدت جنگ شاهد بودیم که حدود ۱۰۰ هزار واحد، آسیب‌فیزیکی دیدند؛ یعنی ساختمان‌ها و واحدهای مسکونی، صنعتی و نظامی آسیب دیدند که برای بازسازی آن‌ها به سیمان و مصالح ساختمانی نیاز بود و همین موضوع باعث شد که گروه سیمان نیز رشد خوبی داشته باشد. صمدی درباره دلیل سوم عنوان کرد: فارغ از تمام این مسائل، وقتی بازار ۸۰ روز بسته بود، بقیه بازارها مثل طلا و دلار همه نوسان خود را بروز دادند. در این مدت چندماهه، مسکن رشد عجیب و غریبی پیدا کرد، طلا نوسان چندانی نداشت و البته دلار هم رشد کرد. او توضیح داد: در زمان جنگ دوازده روزه شاهد بودیم که با افزایش پس از بازگشایی بازار، صف

کارشناس و تحلیلگر بازار سرمایه: اکنون ارزش دلاری بورس ۹۰ میلیارد دلار است

در حالی که در روز بازگشایی بورس، ارزش آن ۷۲ میلیارد دلار بود؛ همین ۹۰ میلیارد دلار نیز عدد چندان قابل توجهی نیست. با توجه به ارزش پایین بورس، اگر علاوه بر رفع ریسک‌های سیستماتیک، لغو تحریم‌ها هم صورت بگیرد، بورس همچنان جای رشد دارد. همچنین اگر فشارهای شرکت‌ها باز شود تا بتوانند تجهیزات و تکنولوژی‌ها به‌روز وارد کنند، شرایط بهتر نیز می‌شود

فروش تشکیل شد. علاوه بر ریسک‌های سیستماتیک، در این شرایط افراد ترجیح می‌دهند که در بازار فروشنده باشند تا بازدهی بقیه بازارها را کسب کنند و سپس مجدداً به بورس بازگردند. طولانی شدن روز بازگشایی بورس باعث شد که دیگر فرصتی برای نوسان‌گیری از بقیه بازارها باقی نماند و دیگر الزامی وجود نداشت که فعالین قصد نوسان‌گیری به اعتقاد این فعال بازار سرمایه، خوش‌بینی نسبت به کاهش ریسک‌های سیستماتیک و البته بالا رفتن احتمال توافق منجر به رشد تقاضا در بورس شد. او همچنین یادآور شد: البته اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال گذشته و راه‌اندازی بازار



توافقی هم در روند حال حاضر موثر بود زیرا گزارش ۱۲ ماهه شرکت‌ها و نا اوضاعیت خوبی را نشان می‌دهد.

ارزش دلاری بورس همچنان ناچیز است

بورس چه پتانسیل‌هایی برای رشد بیشتر در شرایط توافقی دارد؟ پاسخ داد: در همین زمان که صحبت می‌کنیم، ارزش دلاری بورس ۹۰ میلیارد دلار است. در حالی که در روز بازگشایی بورس، ارزش آن ۷۲ میلیارد دلار بود.

او اظهار داشت: یکی از دلایلی که در این مدت، بورس اصلاح خاصی هم نکرد، به کف رسیدن ارزش دلاری بورس بود که روز شنبه نیز بازار ۱۰۰ هزار واحد رشد کرد و ارزش آن به حدود ۹۰ میلیارد دلار رسید.

این تحلیلگر بورس تأکید کرد: همین ۹۰ میلیارد دلار نیز عدد چندان قابل توجهی نیست. با توجه به صنایعی که در بورس حضور دارند، ارزش ۹۰ میلیارد دلاری بازار، مقدار ناچیزی است. شرکت‌هایی در بورس حضور دارند که حدود ۳ تا ۴ دهه پیش، ۴۰ تا ۵۰ میلیون دلار و اما ارزی برای وارد کردن تجهیزات گرفته بودند اما اکنون ارزش آن‌ها هر روز تا پهلوی است.

میلیون دلار است. صمدی خاطر نشان کرد که با توجه به ارزش پایین بورس، اگر علاوه بر رفع ریسک‌های سیستماتیک، لغو تحریم‌ها هم صورت بگیرد، بورس همچنان جای رشد دارد. همچنین اگر فضا برای شرکت‌ها باز شود تا بتوانند تجهیزات و تکنولوژی‌ها به‌روز وارد کنند، شرایط بهتر نیز می‌شود. او ادامه داد: همچنین در این



توافق شود؛ بورس پتانسیل جبران بخشی از خسارت‌های جنگ را دارد

پس از انجام توافق و رفع تحریم‌ها، مردم می‌توانند با بورس آشتی کنند که آشتی مردم با بورس باعث می‌شود که شرکت‌ها نیز بتوانند تأمین مالی ارزان انجام دهند؛ یعنی اوراق چاپ کنند و در بورس بفروشند و در کل، یک تأمین مالی ارزان صورت بگیرد که مستلزم وجود نرخ بهره بسیار بالا هم نباشد. پس اگر توافقی صورت بگیرد دو تحریم‌ها لغو شوند، بورس پتانسیل بسیار زیادی برای تأمین مالی شرکت‌ها و اقتصاد، و جبران بخشی از خسارت‌ها دارد

شرایط مردم می‌توانند با بورس آشتی کنند که آشتی مردم با بورس باعث می‌شود که شرکت‌ها نیز بتوانند تأمین مالی ارزان انجام دهند؛ یعنی اوراق چاپ کنند و در بورس بفروشند و در کل، یک تأمین مالی ارزان صورت بگیرد که مستلزم وجود نرخ بهره بسیار بالا هم نباشد. همچنین می‌توان پروژه‌ها را وارد بورس کرد که برای مثال، اکنون ورود انرژی‌های خورشیدی به بورس انرژی یکی از نمونه‌های ورود پروژه‌ها به بازار است. پس اگر توافقی صورت بگیرد و تحریم‌ها لغو شوند، بورس پتانسیل بسیار زیادی برای تأمین مالی شرکت‌ها و اقتصاد، و جبران بخشی از خسارت‌ها دارد.

دخالت دولت در بورس کمتر شود

این کارشناس بازار سرمایه در پاسخ به این سوال که «در شرایط پس از توافق، چه سیاست‌هایی لازم است تا رشد بورس را به رشد پایدار تبدیل کنیم؟» بیان داشت: مطالعه اول فعالین بازار و بورس می‌تواند این شرایط، حذف قیمت‌گذاری دستوری است و دولت باید اجازه دهد که خود اقتصاد قیمت‌ها تعیین کند. صمدی توضیح داد: البته در این مسیر قرار داریم و پس از اینکه نرخ دلار در مرکز دلار شناور شده است، دولت دیگر کمتر در قیمت کالاها دخالت می‌کند. اکنون نمونه بسیار ملموس تداوم قیمت‌گذاری دستوری، دخالت دولت در قیمت خودرو است که همچنان با این قیمت به صورت پوپولیستی بر خورد می‌شود و دولت اجازه دهد قیمت‌گذاری دستوری یکبار برای همیشه در تمام حوزه‌ها حذف شود، رشد بورس هم پایدار خواهد ماند و وضعیت شرکت‌ها نیز به ثبات خواهد رسید.

او درباره سیاست دوم نیز گفت: مطالعه دوم تغییر نرخ بهره است. هر چند نرخ بهره بالاتری داشته باشیم، هم تأمین مالی اقتصاد گران‌تر می‌شود و هم سرمایه‌گذاری در کلیت اقتصاد کاهش پیدای می‌کند. اگر توافقی صورت بگیرد و شرکت‌ها بتوانند تأمین مالی ارزان قیمتی از خارج داشته باشند، به نظر من نرخ بهره در ایران هم شکسته خواهد شد.

این تحلیلگر بورس همچنین معتقدست که حذف قوانین دست‌وپاگیر، پیش‌بینی پذیر شدن اقتصاد در تمام موارد، از جمله پیش‌نیازهای رشد پایدار بورس پس از توافق احتمالی است.

صمدی در نهایت تأکید کرد: هر چه دخالت دولت در بورس کمتر باشد، رشد بورس نیز پایدار تر خواهد ماند.

برای اجرای این سیاست‌ها در نظر گرفته شد. اما نتیجه چه بود؟ بازار اجاره‌ها تنها آرام نشد، بلکه بسیاری از مالکان برای دور زدن محدودیت‌ها، به روش‌های دیگری روی آوردند؛ از افزایش مبلغ دیه‌ه گرفته تا انعقاد قراردادهای خارج از سامانه‌های رسمی و حتی خودداری از تمدید قرارداد با مستأجران قبلی. در نتیجه بخشی از فشار به جای آنکه حذف شود، صرفاً شکل خود را تغییر داد. اقتصاددانان سال‌هاست هشدار می‌دهند که قیمت‌گذاری دستوری در بازاری که با کمبود عرضه مواجه است، معمولاً به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. همان‌طور که کنترل دستوری قیمت کالاهای نانو استه‌روم‌ها را، کنترل دستوری اجاره‌نشین‌نوانسته‌ها نیز به نفع مستأجران نیست. مشکل اصلی بازار اجاره در ایران را باید در جای فراتر از قرارداد میان موجر و مستأجر جست‌وجو کرد. مالکان نیز در اقتصادی زندگی می‌کنند که ارزش پول ملی به‌طور مداوم کاهش می‌یابد، هر چند نگهداری ملک افزایش پیدای می‌کند و بازارهای مختلف با تورم‌های سنگین مواجه‌اند. در چنین شرایطی انتظار اینکه اجاره‌بها مستقل از تورم عمومی اقتصاد حرکت کند، چندان واقع‌بینانه نیست. هنگامی که تورم سالانه به‌سطوح بالا می‌رسد، قیمت مسکن افزایش می‌یابد و هر چه هزینه‌های زندگی می‌کند، اجاره نیز به تبع آن بالا می‌رود. به بیان دیگر، اجاره‌بها علت بحران نیست؛ معلول بحرانی بزرگ‌تر به نام تورم مزمن است. تا زمانی که تورم مهار نشود، هر سقفی که برای اجاره تعیین شود، دیر یا زود با واقعیت‌های اقتصادی بر خورد خواهد کرد.

در واقع پرسش اصلی این نیست که آیا باید از مستأجران حمایت کرد یا نه؛ در ضرورت حمایت از مستأجران تردیدی وجود ندارد. پرسش این است که آیا می‌توان با تعیین عددی روی کاغذ، بحرانی را حل کرد که ریشه آن از تورم، رکود تولید مسکن و کاهش قدرت خرید مردم است؟ تجربه سال‌های گذشته پاسخ چندان امیدوارکننده‌ای به این سؤال نمی‌دهد. شاید به همین دلیل باشد که بارها سقف جدیدی برای اجاره تعیین شده، اجاره‌نشینان در پایان سال همچنان با همان دغدغه قدیمی روبه‌رو بوده‌اند: خانه‌های که هر روز گران‌تر می‌شود، در حالی که درآمدها نفس افتاده‌اند.

است‌نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که اگر چه اسم آتش‌سوزی شرایط فعلی است اما ما همچنان در میانه جنگ هستیم و اسم آتش‌سوزی چیزی از شدت اوضاع کم نخواهد کرد. احتمال برگشت جنگ فعلی‌الآن و چه در روزهای آینده باقی است و به همین دلیل هنوز نمی‌توان از آثار ساجت‌گر کشور صحبت کرد. ضمن اینکه هنوز نمی‌توانیم پیامدهای میان مدت و بلندمدت جنگ را ارزیابی کنیم؛ زیرا هنوز حتی در دوره کوتاه مدت هم نیستیم، در نتیجه داده‌های قابل اعتماد و قابل توثیق نیز در اختیار نداریم. برخی از داده‌های ثبتی که در اختیار ما هست کمک می‌کند بتوانیم آثار جنگ را تنها تا حدود کمی ارزیابی کنیم.



میرزایی همچنین مطرح کرد: اقتصاد ایران پس از جنگ بسیار ضعیف، شکننده و آسیب‌پذیر شده است. ما دو سال پیش از جنگ نیز دوشک عظیم اقتصادی را متحمل شدیم. اول شوک گرانی حامل‌های انرژی و دیگری آپیدمی کرونا همزمانی بحران کرونا با تحریم‌ها در سال ۹۷ به این سو باعث افزایش نرخ فقر شد. البته به جز مقطع اخیر، در مقطعی دیگر و شوک ارزی سال ۴۰۱ در دولت سیزدهم نیز با افزایش تورم مواجه بودیم.

او در پایان اظهار داشت: دولت نه تنها از لحاظ اجرایی با فرسودگی مواجه شده است بلکه منابع مالی قابل اتکای آن نیز به شدت کاهش یافته و دولت مجبور شده بر بازار بدهی‌ها، استقراض از نظام بانکی و

خبر اقتصادی

در سایه بالا رفتن احتمال توافق: **دلار ۷ هزار تومان ریزش کرد**



تجارت‌نیوز نوشت: «قیمت دلار در اولین روز معاملاتی هفته با کاهش ۷ هزار تومانی نسبت به آخرین رقم معاملاتی، روی رقم ۱۷۱ هزار و ۵۰۰ تومان قرار گرفت.

علت اصلی این کاهش چشمگیر، افزایش احتمال دستیابی به توافق میان ایران و آمریکا است. نشانه‌های مثبت از مذاکرات و تأیید ضمنی آن توسط مسئولان دو کشور، خوش‌بینی را به بازار بازگردانده و معامله‌گران را به سمت فروش سوق داده است. تحلیلگران معتقدند اگر خبرهای مثبت درباره مذاکرات ادامه پیدا کند، قیمت دلار می‌تواند به کردیورهای پایین‌تر سقوط کند. با این حال، برخی کارشناسان هشدار می‌دهند که تا اعلام نتیجه‌پهلایی و قطعی مذاکرات، همچنان ابهاماتی وجود دارد و بازار ممکن است دوباره دچار نوسان شود.»

احتمال حمله سایبری در میان است؟

اختلال گسترده در خدمات

۳ بانک بزرگ کشور



از صبح ۲۳ خرداد، اختلال گسترده در سامانه‌های غیر حضوری بانک‌های ملی، تجارت و صادرات باعث اختلال در انجام تراکنش‌های بانکی و ناراضی مشتریان

شده است. به گزارش خبرآنلاین، در شعب حضوری این ۳ بانک نیز وضعیت کمی‌بیش مشابه گزارش شده است. برخی مراجعه‌کنندگان عنوان می‌کنند که اگر چه فعالیت شعب به‌صورت کامل متوقف نشده، اما بخش قابل توجهی از خدمات وابسته به سامانه‌های مرکزی با اختلال همراه بوده و همین موضوع روند انجام امور بانکی را کند کرده است. گفتنی است، برخی منابع از احتمال وقوع حمله سایبری خبر داده‌اند. اما تاکنون هیچ مقام رسمی این موضوع را تأیید یا رد کرده و اطلاعات کافی برای اظهار نظر قطعی در این زمینه وجود ندارد.

تحقق درآمد مالیات پس از ۳ سال

زیر ۱۰۰ درصد شد

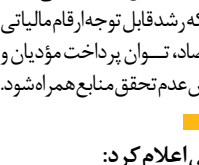


سال گذشته برای نخستین بار طی سنوات اخیر حدود ۱۳۰ همت از درآمدهای مالیاتی بودجه محقق شده است. به گزارش تسنیم، بررسی عملکرد بودجه سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد از مجموع یک هزار و ۸۲۰ همت درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده در قانون بودجه، حدود یک هزار و ۶۹۱ همت وصول شده است. به این ترتیب حدود ۱۳۰ همت از منابع مالیاتی پیش‌بینی شده محقق نشد و نرخ تحقق درآمدهای مالیاتی به حدود ۹۳ درصد کاهش یافت. گفتنی است، تجربه سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که رشد قابل توجه‌ار قام مالیاتی بدون توجه به ظرفیت واقعی اقتصاد، تسوان پرداخت مودیان و شرایط کسب و کار می‌تواند با چالش عدم تحقق منابع همراه شود.

یک مقام صنفی اعلام کرد:

بازگشت ۳۸ درصد از ظرفیت پتروشیمی

به خرجه تولید



مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی از بازگشت حدود ۳۸ درصد از ظرفیت صنعت پتروشیمی به تولید که یا از دست رفته یا تحت تأثیر قرار گرفته بود، خبر

داد. به گزارش مهر، حسن عباس‌زاده با اشاره به اینکه بخشی از خسارت‌ها در جنگ مربوط به بالا نگاه‌های گازی بود که بخشی از خوراک صنعت پتروشیمی شامل گاز طبیعی و میعانات گازی تحت تأثیر قرار داد، افزود: به برخی تأسیسات جانبی صنعت پتروشیمی حملات مستقیم شد و نیروگاه‌هایی که وظیفه تأمین برق و بخار مجتمع‌های پتروشیمی را به عهده داشتند، هدف قرار گرفتند و متأسفانه بخشی از ظرفیت تولید برق و بخار تحت تأثیر قرار گرفت.

به دلیل تحریم‌های اعمال شده:

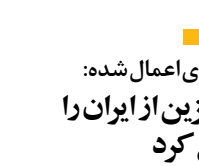
عراق واردات بنزین از ایران را ممنوع کرد



وزارت نفت عراق اعلام کرد که دولت این کشور به خاطر تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، از این کشور بنزین وارد نمی‌کند. به گزارش ایبنا، سلیم فرهود الرکابی، سخنگوی این وزارتخانه خبر داد که عراق از طریق شرکت بازار یابی نفت (سومو) برای احیای واردات بنزین از خارج بنزین وارد خواهد کرد. همچنین علی محمد ربیع، مدیر شرکت توزیع فرآورده‌های نفتی در کوکوبیان کرد که قرار است از طریق سرمایه‌گذاران، از اردن سوریه به عراق بنزین وارد شود.

یک مقام صنفی:

تولید لوازم صوتی و تصویری به کمتر از نصف رسید



دبیرانجمن تولیدکنندگان لوازم صوتی و تصویری ایران با تشریح وضعیت بحرانی کارخانجات وقت شدید تولید در بخش لوازم خانگی، به ویژه در حوزه تولید لوازم صوتی و تصویری، اظهار داشت: مشکل اصلی و ریشه‌ای صنایع این است که از اسفندماه سال گذشته، یعنی نزدیک به ۵ ماه است که مواد اولیه لازم وارد کارخانه‌ها نشده است. محمدرضا شهیدی در گفت‌وگو با اقتصاد ۲۴ ادامه داد: این کمبود شدید سبب شده خطوط تولیدی با حداقل ظرفیت ممکن کار کنند و حجم تولید به شدت افت کند؛ به طوری که هر کارخانه اگر پیش از این دو تا سه خط تولید فعال داشت، اکنون حجم تولیدش نسبت به مدت مشابه سال گذشته به کمتر از نصف کاهش یافته است. او تصریح کرد: با ادامه روند فعلی و عدم ورود مواد اولیه، کارخانه‌ها به سمت تعطیلی کامل خواهند رفت و کارگران بیکار می‌شوند.